

بهمن سام‌خانیانی\*

BAHMANSAM3@GMAIL.COM

# گزارش نشست بررسی فقهی حقوقی ضمان درک بایع در برابر مشتری

• نشست علمی بررسی فقهی حقوقی ضمان درک بایع در برابر مشتری با تاکید بر رای وحدت رویه دیوان عالی کشور مصوب ۹۳/۷/۱۵ در خصوص جبران غرامات ناشی از کاهش ارزش پول در تاریخ ۹۳/۱۰/۲۳ در مرکز آموزش‌های تخصصی فقه برگزار شد. در ادامه خلاصه اهم مباحث این نشست تقدیم می‌شود.

حجت الاسلام محقق فر مدیر مرکز و دبیر این نشست، پس از خیر مقدم‌گویی به اساتید و طلاب محترم، توضیحاتی مقدماتی درباره بررسی فقهی و حقوقی ضمن درک بایع در برابر مشتری با تاکید بر رای وحدت رویه در مورد پرداخت غرامات را بیان نمود.

■ در ابتدای این نشست گزارش پرونده علمی این مسئله توسط دانش پژوه محترم مرکز آقای عبدالله محمودی ارائه گردید. وی با تبیین مسئله ضمان درک و ارتباطش با کاهش ارزش پول آغاز کرد و گفت: اگر در معامله‌ای، مبیع، مستحق للغير در آید، بین مالک اصلی، بایع و مشتری، چند رابطه به وجود خواهد آمد که در پرونده علمی تهیه شده، صرفاً رابطه‌ی

به وجود آمده بین مشتری و بایع مورد بحث قرار گرفته است. وی افزود، زمانی که مبیع، مستحق للغير در آید، مالک اصلی مبیع خود را از مشتری اخذ می‌کند. مشتری نیز طبیعتاً طبق ماده ۳۹۱ قانون مدنی، به بایع رجوع کرده، ثمن معامله را پس می‌گیرد. اگر مشتری نسبت به مستحق للغير بودن مبیع، جاهل باشد، غرامات وارده را نیز می‌تواند از بایع دریافت کند.

محقق این پرونده علمی، آراء دادگاهها نسبت به پرداخت غرامات را بدین صورت دسته‌بندی کرد: دسته اول آرای قضاتی است که معتقدند هیچ غرامتی به مشتری تعلق نمی‌گیرد و فقط به تأدیه همان قیمت پرداخت شده حکم می‌دهند؛ دسته دوم آرای برخی دیگر از قضات است که با استدلال مبتنی بر کاهش ارزش پول مشتری، بایع را علاوه بر پرداخت پول اصلی، محکوم به جبران این کاهش می‌کنند؛ دسته سوم آرای قضاتی است که با در نظر گرفتن قیمت روز مبیع در همان سال استرداد، حکم به پرداخت تمام غرامات می‌کنند، چون معتقدند جبران کاهش ارزش پول، تمام خسارات وارده به مشتری را جبران نمی‌کند. با این توضیحات؛ موضوع نشست، به مسأله کاهش ارزش پول بسیار مرتبط می‌شود.

وی همچنین، خلاصه‌ای از گزارش پرونده علمی مذکور که با مشارکت برخی دیگر از طلاب مرکز تهیه شده و حاوی انظار و مبانی فقهای عظام امامیه است، ارائه نمود. محمودی با بیان اینکه در این پرونده علمی، مسأله «کاهش ارزش پول» در دو مقام مورد بحث قرار گرفته است، افزود: مقام اول به بررسی فقهی اصل جواز جبران کاهش ارزش پول پرداخته است و در مقام دوم بر فرض جبران کاهش ارزش پول، بر این سوال تمرکز شده است که آیا جبران، مصداق غرامت است یا خیر؟

## مقام اول - مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

در اصل جواز جبران کاهش پول، در بین فقهای امامیه سه دسته قول مطرح است: دسته اول معتقدند جبران کاهش ارزش پول، غیر مجاز است. قائلین به این قول مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سیستانی هستند. دلیل اول این دسته از فقها، به ماهیت پول بر می گردد. ماهیت پول طبق این نظر، مثلی است. این فقها در دلیل دوم چنین گفته اند که اگر مازاد بر پول - چه پول اصلی چه مورد تبادل - به مشتری پرداخت گردد، منجر به ربا می شود.

دسته دوم از فقها، جبران کاهش ارزش پول، را نه تنها جایز، بلکه لازم و ضروری می دانند؛ این دسته از فقها به چهار دلیل تمسک کرده اند.

در دلیل اول، ماهیت پول به عنوان قدرت خرید لحاظ شده است. دلیل دوم، حدیث لاضرر است. در دلیل سوم فقها چنین گفته اند که پول مثلی نیست بلکه قیمی است؛ بنابراین هر زمان پول مورد ضمانت قرار گرفت باید قیمت آن را برگرداند و در نهایت دلیل چهارم بر این امر مبتنی است که عرف، ابرای ذمه بایع را نسبت به دین، فقط با پرداخت قیمت روز آپارتمان می داند و در این مورد تسامح نمی کند.

در دسته سوم برخی از فقها در مسئله توقف کرده، حکم به احتیاط در مصالحه دادند به نظر می رسد این نظر چندان به بحث ما مربوط نباشد.

## مقام دوم - صحت اطلاق عنوان غرامت بر جبران کاهش ارزش پول در فرض اصل مشروعیت جبران

در بین فقها تصریح دقیقی مبنی بر غرامت بودن کاهش ارزش پول وجود ندارد. لذا به صورت جزئی از دفاتر مراجع تقلید نسبت به مساله استفتاء شده است. آیت الله سبحانی و آیت الله موسوی اردبیلی همچنین دفتر آیت الله بهجت به طور صریح بیان کردند که

کاهش ارزش پول تحت عنوان غرامت قرار می‌گیرد و می‌توان آن را از بایع دریافت کرد. رویه قضایی هم تا قبل از صدور رأی وحدت رویه، متفاوت بود. عده‌ای از قضات، کاهش ارزش پول را جزو غرامت می‌دانستند و دسته‌ای دیگر با این امر مخالف بودند. در نهایت دیوان عالی کشور در مهر ۹۳، کاهش ارزش پول را جزو غرامت دانست و بایع را ملزم به پرداخت آن کرد.

• پس از اتمام فرصت ارائه دانش پژوه محترم مرکز جناب آقای محمودی، دبیر جلسه ضمن تشکر از ایشان، جهت تبیین بیشتر ابعاد مساله با تاکید بر جنبه‌های حقوقی آن از جناب آقای دکتر باریکلو خواستند که مطالب خود را ارائه نمایند.

■ دکتر باریکلو در ابتدای صحبت خود، موضوع اصلی این بحث را ضمان درک دانستند و گفتند البته مساله ضمان درک با کاهش ارزش پول دو مبحث جداگانه‌ای است که در این جلسه مطالبی در زمینه ضمان درک ارائه خواهد شد.

ایشان در ادامه فرمودند که بحث ضمان درک در فقه امامیه و حقوق فرانسه اشتراکی دارد اما رویکرد این دو نظام حقوقی متفاوت است. ماده ۳۶۲ قانون مدنی ایران، عیناً مانند ماده ۱۶۲۵ فرانسه غیر از عبارت تملیک در بند اول آن است.

در ماده ۱۶۲۵ فرانسه چنین آمده است که عقد بیع بایع را ملزم به تسلیم مبیع سالم می‌کند. سالم، از حیث ماهیت مادی که کیفیت لازم را داشته باشد. همچنین سالم از حیث حقوقی؛ بنابراین که ادعایی روی آن نبوده و مورد نزاع و اختلاف نباشد. در ضمان درک ضمانت اجرای این دو ماده مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مواد ۳۹۰ تا ۳۹۳ قانون مدنی ایران نیز در مورد ضمان درک است. این سه ماده برگرفته شده از فقه امامیه است. ابتدا مشترکات حقوق فرانسه و فقه امامیه را در ضمان درک ارائه می‌کنم و سپس به ذکر دو تفاوت بین آنها خواهیم پرداخت.

## الف - اشتراک حقوق فرانسه و فقه امامیه در ضمان درک

در هر دو نظام حقوقی، به نگرانی مشتری از مستحق للغیر در آمدن مبیع توجه شده است و برای آن تدبیر اتخاذ کرده‌اند. در فقه، طبق قول شیخ انصاری بنابر قاعده اقدام، بایع، ضامن درک مبیع است؛ همانطور که در فرانسه هم اینگونه است. توضیح این که، بند دو ماده ۳۶۲ قانون مدنی ایران چنین می‌گوید که عقد بیع، بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد. اما ماده ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی می‌گوید، بایع ضامن درک ثمن و مشتری ضامن درک مبیع است.

شیخ انصاری در کتاب «صیغ العقود و الایقات» بیان می‌دارد که بایع ضامن درک مبیع و مشتری ضامن درک ثمن است. به همین دلیل است که قانون‌گذار در ماده ۳۹۱ می‌گوید در صورت مستحق للغیر در آمدن، باید ثمن مبیع را مسترد دارد؛ نه قیمت مبیع را.

مبنای مشهور در ضمان درک بنابر آنچه شیخ انصاری مشهور منقول شیخ طوسی را روایت می‌کند، ضمان اقدام است - لانه ادخله الضمان - به این صورت که در بیع، عاریه و هبه‌ی مال غصبی، چون گیرنده؛ مال را اخذ کرده، در نتیجه بر ضمان خود اقدام کرده است. با گرفتن مال غیر، برای گیرنده مال، ضمانت ایجاد می‌شود. این عیناً همان مبنایی است که فرانسوی‌ها در بحث ضمانت بایع مطرح می‌کنند. فرانسوی‌ها بایع را ضامن درک مبیع می‌دانند، چرا که مبیع به دست بایع رسیده و بر قبض آن اقدام کرده است، پس باید ضامنش هم باشد.

البته در بند دو ماده ۳۶۲ قانون گذار بایع را ضامن درک ثمن دانسته است و این بنابر قاعده فقهی ید است. بایع بر ثمن، ید پیدا کرده بنابراین ضامن ثمن است و مشتری بر مبیع ید داشته، پس ضامن آن خواهد بود. به این دو مبنای در مواد ۳۶۲ و ۳۹۱ اشاره شده است.

## ب - تفاوت فقه امامیه و حقوق فرانسه در ضمان درک

به عنوان اولین تفاوت می‌توان چنین گفت که در حقوق فرانسه قرارداد، تعهد محور است اما در فقه امامیه، اعتبار محور است. ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران، برگرفته از ماده ۱۱۰۱ فرانسه است، رویکرد قانونگذار فرانسه به عقد، یک رویکرد تکلیفی و تعهد محور می‌باشد به این دلیل که احکام وضعی در سیستم حقوقی غرب شناسایی نشده است در حالی که رویکرد قانون گذار ما اعتبار محور و قانون گذار به دنبال حکم شرعی بوده است.

همچنین در دومین رویکرد متفاوت می‌توان اذعان داشت که در فرانسه به منافع قراردادی طرفین قرارداد توجه شده اما در فقه امامیه به مالکیت مالی طرفین توجه شده است. در فقه امامیه پس از مستحق للغیر در آمدن مال، فقط عوض و معوض معامله، به طرفین بر می‌گردد و به منافع تقویت شده طرفین کمتر توجه شده است. در حالی که در حقوق فرانسه، منافع قراردادی یعنی منافی که طرفین قرارداد از معامله انتظار داشته‌اند، مورد توجه آنان بوده است.

منصفانه این است که بگوییم در حقوق اسلام هم به منافع قراردادی طرفین توجه شده است، اما به هر حال حقوق فرانسه به این امر اهتمام بیشتری نشان می‌دهد از جمله مواردی که فقه امامیه به منافع قراردادی توجه کرده است می‌توان قاعده غرور را برشمرد که در آن شارع به منافع مغرور توجه کرده است نمونه‌اش اطعام طاعم به مال خودش است؛ شارع در این مورد حکم به جبران منافع طاعم کرده است. همچنین نمونه دیگر توجه فقه امامیه به منافع قراردادی در خرید مال غصبی است که لازم است بحث تفصیلی آن در محل خود مطرح شود. در صورتی که پول مبنای جبران خسارت قرار گیرد و کاهش ارزش پول به عنوان یک خسارت تلقی شود، سه ایراد اساسی قابل طرح است.

دکتر باریکلو در پایان با وارد کردن سه ایراد بر اینکه کاهش ارزش پول خسارت تلقی شود به این نظر قائل شدند که در اینجا همان واحد پول مدنظر باید باشد نه قدرت خرید.

تفصیل این موارد به شرح زیر است:

اولین ایراد این است که در این صورت باید برای تمام دیون پولی، از زمان بدهی تا تاریخ پرداخت، این کاهش ارزش در نظر گرفته شود؛ در حالی که اکثراً به آن ملتزم نیستند. دومین ایراد به وجود آمدن غرر است. و آخرین ایراد این است که در این صورت در معاملات موجل، میزان ثمن، معلوم نمی‌گردد یعنی معلوم نیست در تاریخ ادای دین، چه مبلغی باید پرداخت شود. از طرفی از جمله شرایط قراردادهای که از احکام وضعی است و حتماً باید مشخص باشد، معلومیت ثمن است و با جبران کاهش پول، این معلومیت محقق نمی‌شود و این نتیجه‌اش چیزی جز بطلان معامله نخواهد بود.

لذا ناچاریم بگوییم همان تعداد شمارشی پول یا همان واحد پولی باید مدنظر باشد نه آن قدرت خرید.

در پایان راهکارهای مناسب، زمانی که مبیع در این پرونده قضایی آپارتمان، مستحق للغير در آمد چنین پیشنهاد می‌شود. به عنوان راهکار اول باید بررسی کرد این پولی که بایع از مشتری دریافت کرده در کجا سرمایه‌گذاری کرده است، مشتری می‌تواند آن سرمایه را بردارد. و نهایتاً در راهکار دوم می‌توان به استرداد مثل ثمن، (یعنی قیمت روز مبیع) حکم شود.

به عنوان نکته پایانی می‌توان گفت که رای وحدت رویه مذکور با پایه خود که رای دادگاه تجدیدنظر تبریز است، سازگاری ندارد. این دادگاه در این رای حکم به پرداخت مابه التفاوت قیمت روز ملک با قیمت زمان انعقاد قرارداد کرده بود و اصلاً توجهی به کاهش ارزش پول نداشت تا ملاک رای وحدت رویه قرار گیرد.

دبیر جلسه ضمن تشکر از جناب آقای دکتر باریکلو، حجت الاسلام والمسلمین فاضل را به ایراد مطالب خود دعوت کرد.

■ استاد محمد هادی فاضل، در ابتدا گفتند که لازم است در این مسأله، مبانی کاهش

ارزش پول مشخص و واضح شود تا در بحث ضمان درک دچار مشکل نشویم. آقای دکتر به یکی از مبانی ضمان درک با دو دیدگاه مختلف در فقه و حقوق فرانسه اشاره کردند. ما هم با مبنای جبران کاهش ارزش پول و مشخص کردن این که پول مثلی یا قیمی است، به بحث ضمان درک خواهیم پرداخت. با این روش، مصداق غرامت و این که اصلاً غرامت در ضمان درک وجود دارد یا خیر، واضح خواهد شد. اگر پول قیمی دانسته شد، در صورت مستحق للغیر در آمدن مبیع، صدق عنوان غرامت، دشوار است.

ایشان در ادامه افزود که در فقه ابتدا به حقیقت بیع اشاره شده است سپس تعهدات الزام آور بعد آن مطرح می‌گردد. اما در فرانسه از همان ابتدا فقط به تعهداتی که بعد از بیع به وجود می‌آید توجه شده است. عمده تعهدات در فقه مربوط به احکام وضعی است. بنابراین تعهد در فقه هم وجود دارد. حال اگر مبیع، مستحقاً للغیر در آید، بایع در هر صورت تعهد دارد؛ اما سوال این است که بایع به چه چیزی متعهد است؟ اگر گفتیم بایع ثمن را متعهد است یعنی ثمنی که با آن می‌توان امروز یک آپارتمان هشتاد متری خرید، پس تعهد هم نسبت به همین مقدار است و هیچ غرامتی در کار نیست.

استاد فاضل رأی وحدت رویه را دچار تناقض دانستند و در این خصوص گفتند که در این رای از طرفی به جبران کاهش ارزش ثمن و از طرف دیگر به اطلاق لفظ غرامت در جبران خسارت بایع، اشاره شده است و این دو با هم سازگار نیست. دیوان عالی کشور در بحث جبران کاهش پول به ماده ۳۹۱ و اطلاق لفظ غرامت در آن استناد کرده و با این کار در حقیقت جبران کاهش ارزش پول را به سبب غرامت می‌داند؛ نه به عنوان جبران اصل مال. به هر صورت اگر پول را قیمی دانستیم و قیمت روز بازار را ملاک جبران قرار دادیم یا حتی اگر پول را مثلی دانستیم، ولی قدرت خرید را در مثلیت دخیل دانستیم، در این صورت دیگر کاهش ارزش پول، کاهش اسمی خواهد بود و اصلاً کاهش قیمت صورت نگرفته است. قائلین به کاهش ارزش پول می‌گویند «همان پول»، یعنی «همین پول امروز». اما

کسانی که کاهش ارزش پول را قبول ندارند، این نوع تفسیر از «همان» را نپذیرفته و «همان» را عیناً «همان پول سابق» می‌دانند. به هر صورت نزاع بر سر مصداق «همان» است. بنابراین تفسیری که از «همان» کردیم، دیگر غرامت و خسارت معنا ندارد. پولی که سابقاً مشتری به بایع داده است الان «همان پول» را - البته به قیمت امروز - بایع به او پس می‌دهد در نتیجه برای غرامت جایی نمی‌ماند. وقتی کسی بگوید در صورت کاهش ارزش پول باید غرامت داد، یعنی این پول، همان پول نیست.

در فقه، ذیل مبحث مستحق للغير در آمدن مبیع، به هزینه‌هایی که بایع بر روی مال انجام داده است غرامت گفته شده است. مثلاً بایع در زمین درختکاری کرده یا ساختمان را تعمیر کرده است همه این موارد غراماتی بر بایع است که باید جبران گردد. با این توضیحات، پرداخت غرامت از باب جبران کاهش پول نیست.

در فقه شیعه دو مبنا در جبران خسارت کاهش ارزش پول وجود دارد. در مبنای اول که در حقیقت به مبانی ماهیت پول بر می‌گردد اگر پول را قیمی دانستیم یا این که پول را مثلی دانسته اما قدرت خرید را در مثلی بودن لحاظ کردیم، اصلاً بحث ضرر و جبران کاهش بی معناست، چون ضرری در کار نیست و ضرری به مشتری وارد نشده؛ او همان پولش را گرفته است. در مبنای دوم که تمسک آن به لاضرر است، ضمان درک و جبران کاهش ارزش پول، یکی از مصادیق لاضرر است. استناد به لاضرر در اینجا دست کم دو ایراد دارد. اول اینکه با این مبنا ضرر طرف مقابل - یعنی بایع - در نظر گرفته نمی‌شود و دومین ایراد اینکه لاضرر فقط نفی حکم می‌کند و عاجز از اثبات حکم است.

در ادامه استاد فاضل گفتند که در مورد جبران کاهش ارزش پول چهار نظر عمده قابل طرح است. بنابر نظر اول، فقط همان پول عیناً به همان مقدار باید به مشتری داده شود. و مطابق نظر دوم برای محاسبه و پرداخت خسارت کاهش ارزش، ملاک محاسبه بانک مرکزی در تورم است. پرداخت خسارت با این محاسبه مبلغ ناچیز است. در نظر سوم، قیمت

روز پول را باید به عنوان خسارت پرداخت. و نهایتاً بنابر نظر آخر تورم خود مبیع به قیمت روز، باید در نظر گرفته شود.

در پایان جناب استاد فاضل اقوال عمده فقها در مورد ماهیت پول را به چهار دسته طبقه‌بندی کردند و هر کدام را به صورت مختصر توضیح دادند. ایشان گفتند که از منظر برخی فقها ماهیت پول مثلی است؛ در نگاه برخی دیگر از این بزرگواران پول قیمی است؛ و از منظر گروهی نیز پول هم قیمی و هم مثلی است و نهایتاً در نظر آخر پول نه قیمی و نه مثلی است.

جناب استاد فاضل توضیح تفصیلی این انظار و مبانی آنها را نیازمند فرصتی موسع دانستند. در پایان ایشان افزودند بعضی فقها در نپذیرفتن جبران کاهش پول و فتوا به پرداخت همان پول زمان معامله، به پیش آمدن ربا استناد می‌کنند. همچنین دلیل دوم برای نپذیرفتن جبران کاهش پول، روایاتی است که از پرداخت مازاد منع می‌کند. دلیل سوم قائلین به عدم افزایش عرف است. بنابر اعتقاد ایشان عرف به پرداخت مازاد از پول اصلی، حکم نمی‌کند و فقط پرداخت همان پول قبل را واجب می‌داند.

• این جلسه با پرسش و پاسخ طلاب و استادان دنبال شد. همچنین اعلام گردید که در جلسه نشست بعدی، ماهیت فقهی و حقوقی طلاق قضایی با حضور اساتید به بحث گذاشته خواهد شد.